

بررسی عوامل موثر بر بیکاری دانش آموختگان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه

افشین باغفلکی^۱

شیمیا پرندین^۲

چکیده

نیروی انسانی از غنی‌ترین سرمایه‌های هر کشور در رسیدن به رشد و توسعه صنعتی به شمار می‌رود. تجربه کشورهای پیشرفته و صنعتی، گویای این نکته اصلی و اساسی است که این کشورها در نخستین گام‌های توسعه خود، نگاهی ویژه همراه با برنامه‌ریزی‌های دقیق در رابطه با فارغ‌التحصیلان و دانش‌آموختگان خود داشته‌اند و ضمن توسعه همه جانبه صنعتی و علمی، توانسته‌اند با برنامه‌های دقیق خود، معضلات و مشکلاتی نظیر بیکاری را حل نمایند. اما در کشور ما، برخی عوامل که ریشه اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی دارد، منجر به بروز پدیده بیکاری در فارغ‌التحصیلان دانشگاهی شده است و منابع عظیم نیروی انسانی را که باید محور اصل توسعه پایدار باشند، نادیده گرفته است. هدف از این پژوهش، تعیین عوامل موثر بر بیکاری دانش‌آموختگان از ابعاد آموزشی، فرهنگی - اجتماعی و مدیریتی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل کلیه فارغ‌التحصیلان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه، در طی سالهای ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۲ می‌باشد. با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، تعداد ۱۵۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شده، سپس برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز، از افراد گروه نمونه خواسته شد، به پرسشنامه محقق ساخته پاسخ دهند. نتایج حاصل از اجرای این پژوهش، موید تایید هر سه فرضیه می‌باشد و نتایج گویای این واقعیت است که عوامل آموزشی، مدیریتی، فرهنگی و اجتماعی در بیکاری فارغ‌التحصیلان، نقش مهم و بسزایی دارد. در بین عوامل ذکر شده، عوامل فرهنگی و اجتماعی، بیشترین تاثیر را بر میزان بیکاری فارغ‌التحصیلان داشته است. بر اساس یافته‌های این تحقیق، پیشنهاد می‌شود، در به کار گماردن افراد، رابطه‌ها در نظر گرفته نشود و رشته‌ها و آموزش‌های دانشگاهی با نیاز بازار کار متناسب گردد.

واژگان کلیدی: بیکاری، فارغ‌التحصیلان، دانشگاه آزاد، کرمانشاه، بازار کار.

۱- استادیار گروه اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه

۲- استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلام آباد غرب

مقدمه

مهمترین رسالت نظام آموزش عالی در هر کشوری تربیت نیروی انسانی کارآمد، خلاق و کارآفرین است. در این خصوص، دانشگاهها و مؤسسه‌های آموزش عالی به عنوان واحدهای مجری نظام آموزش عالی در زمینه کارآفرینی و تربیت نیروی متخصص و ماهر مورد نیاز بخشهای مختلف جامعه سهم بسزایی دارند (نوری زاده، ۱۳۸۵). در واقع، می‌توان گفت، رسالت اصلی دانشگاهها، پرورش نیروی انسانی، اشاعه علم، ایجاد خلاقیت، ابتکار و نوآوری است. هر چه جامعه کمتر پیشرفته باشد، انتظارات مردم از دانشگاهها بیشتر است، زیرا در چنین کشورهایی مؤسسه‌ها و سازمانهای دیگری وجود ندارد که بتوانند وظایف و مسئولیتهای دانشگاه را برعهده بگیرند. دلیل اساسی ضعف دانشگاهها در کشورهای در حال توسعه این است که بیشتر دانشگاهها، در این کشورها از نظر ساختار و عملکرد، دانشگاههای قدیمی جوامع صنعتی را الگو قرار داده‌اند. بسیاری از برنامه‌های ملی توسعه در دانشگاهها، تقلیدی از دانشگاههای کشورهای توسعه یافته است (منصوری، ۱۳۸۱). امروزه پدیده بیکاری تحصیل کردگان در همه‌جا به چشم می‌خورد و بر حسب شرایط اقتصادی خاص هر یک، میزان آن در کشور فرق می‌کند. در این میان بیکاری زنان تحصیل کرده دانشگاهی که نقش مادری و همسری خود را باید به بهترین وجهی ایفا کنند، بیشتر نمود پیدا می‌کند. با وجود این که جهان بسوی استفاده بهینه از نیروی انسانی است، ولی همچنان زن بعنوان جنس دوم مطرح می‌گردد. قبل از اینکه توانایی، هوشمندی و کارایی او مد نظر قرار گیرد، جنسیت اوست که توانایی‌اش را تحت پوشش قرار می‌دهد و با توجه به اینکه همگام با مردان در دانشگاهها درس می‌خوانند، ولی به هنگام فارغ التحصیل شدن، راهیابی به بازار کار و استخدام از سوی کارفرمایان با دید اغماض نگرینسته می‌شود و مورد تبعیض قرار می‌گیرد. با توجه به هزینه‌های هنگفتی که هر ساله از طرف دولت و خانواده‌ها برای تحصیل قشر جوان جامعه صرف می‌شود، الزامی است به بازدهی و پیامد آن نیز توجه شود، نه اینکه فقط به سیل بیکاران جامعه افزوده و جامعه به جای ترقی و پیشرفت، متحمل هزینه‌های بی حاصل و ضرر و زیان شود. امروزه، آموزش عالی باید در برابر آینده شغلی دانش‌آموختگان و هزینه‌های فراوانی که هر ساله برای تحصیل دانشجویان صرف می‌شود، پاسخگو باشد؛ باید مشخص شود که دوره‌های آموزش عالی چه نتایج مفیدی برای جامعه دارد و آیا موجب می‌شود تا دانش‌آموختگان با مهارتهای مورد نیاز جامعه به مشاغل حیاتی دست یابند، یا اینکه هر ساله به سیل بیکاران جویای کار می‌افزاید؟ آیا وقت آن نرسیده که با دقت بیشتری به جذب سرمایه‌های انسانی این مرز و بوم پرداخته شود؟ آیا زمان آن نرسیده است که به جای توجه خاص به بهبود کمیت دانشگاهها، اندکی به کیفیت آموزش در دانشگاهها توجه شود. (بازرگان، ۱۳۸۲). مساله بیکاری دانش‌آموختگان آموزش عالی در سالهای اخیر از حساسیت و اهمیت بیشتری برخوردار است. سخن و بحث در مورد اشتغال زنان فارغ التحصیل دانشگاهی، کاری چندان ساده نیست، چون ابعاد و الگوی مشارکت اقتصادی این گروه از زنان، فقط تابع مکانیزمها، قوانین و قواعد اقتصادی حاکم بر بازار کار نمی‌باشد، بلکه متاثر از ارزشها، طرز تلقی‌ها و اصولا نگرشها و وجهه نظرهایی

که در میان شهروندان خصوصاً مردان نسبت به کار مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی متداول است، می‌باشد. هدف از انجام این تحقیق، شناسایی عوامل موثر بر بیکاری دانش‌آموختگان از ابعاد آموزشی، فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی به منظور جلب توجه و هدایت مسئولان و تصمیم‌گیران به سوی اتخاذ سیاستهای درست و به جا برای پیشگیری از تشدید و فراگیر شدن بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه در سالهای آینده است. در این تحقیق، علل بیکاری فارغ‌التحصیلان از دیدگاه گروه دانشگاهیان، مدیران و دانش‌آموختگان به عنوان افراد مداخله‌گر در آموزش عالی و بازار کار مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. برنجی (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان «سرنوشت شغلی دانش‌آموختگان رشته مدیریت آموزشی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران» از اولین پژوهشهای انجام شده در این زمینه است که به بررسی وضعیت اشتغال سیزده دانش‌آموخته همان سال پرداخته است. در نتایج پژوهش، دلایل عدم استفاده از مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، بدین شرح بیان شده است: آگاهی نداشتن سازمانها از اینکه در دانشکده علوم تربیتی چنین رشته‌ای برای تربیت مدیران وجود دارد، تمایل نداشتن وزارت آموزش و پرورش به استفاده از دانش‌آموختگان این رشته و میل و علاقه دانش‌آموختگان به ادامه کاری که در خلال دوره آموزشی بدان اشتغال داشته‌اند. اغلب دانشجویان قبل از دانش‌آموختگی به کارهایی اشتغال دارند که به کلی با زمینه تحصیلی آنان منافات دارد و به همین دلیل و از ترس اینکه مبادا قادر نباشند، مطالب آموزشی را در عمل پیاده کنند، به تغییر شغل و پرداختن به شغلی که با مدرک تحصیلی آنان هماهنگ باشد، تمایل ندارند. هماهنگ نبودن شغل با نوع داده‌های آموزشی سبب می‌شود، تا بحر لازم برای پیاده کردن مطالب آموخته شده در عمل به دست نیاید.

مظفری (۱۳۸۶) در تحقیقی با عنوان «بررسی و مطالعه مزایای منطقه‌ای در اشتغالزایی دانش‌آموختگان، توسط منطقه دانشگاهی بوعلی سینا در استانهای همدان، کرمانشاه، زنجان و کردستان» در باره مواردی چون وضعیت اجتماعی و اقتصادی و زیر بنایی، موقعیت نسبی منطقه و استانهای آن در کل کشور، وضعیت شاغلان و بیکاران با تحصیلات عالی به تفکیک گروههای عمده رشته تحصیلی و گروههای عمده فعالیت و مقایسه با شاخصهای کل کشور، وضعیت آموزش عالی منطقه و مقایسه با کل کشور بررسی کرده است. نتایج تحقیق وی نشان داد، در بین استانهای منطقه، از نظر تعداد جمعیت، کرمانشاه بیشترین و زنجان کمترین مساحت را در خود جای داده است و از نظر مساحت، استان کردستان بیشترین و استان همدان کمترین مساحت را دارا بوده است. بار تکفل در کشور برابر ۲/۱۱ نفر است. بالا بودن این شاخص به معنای وضعیت نابسامان اشتغال است. در استانهای تحت بررسی، بجز استان کرمانشاه در بقیه استانها بار تکفل استان از بار تکفل کشور کمتر است. پایین‌ترین بار تکفل مربوط به استان کردستان با عدد ۱/۹۷ است. درصد شاغلان به جمعیت کشور در استان کرمانشاه از کل کشور پایین‌تر است، ولی برای بقیه استانها درصد شاغلان به جمعیت همانند کل کشور است. شاخص فقر انسانی منطقه بسیار بالاست و در بین ۲۶ استان کشور، هر چهار استان دارای رتبه‌های ۱۶ به بالا بوده‌اند، که حاکی

از فقر انسانی گسترده و شدید در منطقه است. یکی از عوامل دافعه در جذب دانش‌آموختگان آموزش‌عالی به منطقه، بالا بودن سهم هزینه‌های خوراک، آشامیدنیها و دخانیات در استانهای منطقه است. سهم شاغلان ۰/۰۶ بوده است. این نسبت در مقایسه با کل کشور بیانگر آن است، وضعیت فعالیت در منطقه به گونه‌ای است که امکان استفاده از افراد تحصیلکرده در فعالیتهای مختلف به طور نسبی کمتر است. یا به عبارتی، ساختار فعالیت در منطقه نسبت به متوسط کشور، به نیروی انسانی با تحصیلات عالی کمتری نیاز داشته است.

نادری و سیف نراقی (۱۳۸۵) اظهار می‌دارند که افراد تحصیلکرده نسبت به کسانی که تحصیلات کمتری دارند، سالانه ساعات بیشتری کار می‌کنند، بیشتر مهاجرت می‌کنند، همواره در حال ارزشیابی، اصلاح و بهبود اطلاعات و آگاهیهای خود هستند و به همین دلیل است که نیروی انسانی آموزش‌دیده در واقع، زمینه توسعه پایدار کشور را فراهم می‌سازد و مورد توجه برنامه‌ریزان آموزش‌عالی کشورها قرار دارد و با توجه به شغل نیروی انسانی آموزش‌دیده در کشورهای پیشرفته، می‌توان به اهمیت و نقش نیروی انسانی با کیفیت در افزایش تولید و توسعه پایدار این کشورها پی برد. بهرامی (۱۳۸۰) در تحقیقی با عنوان «بررسی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان مقطع کارشناسی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اهواز در طی سالهای ۱۳۷۰ الی ۱۳۷۵» در خصوص وضعیت شغلی ۹۵۸ نفر دانش‌آموخته دوره‌های کارشناسی بررسی کرده است، از بین ۹۵۸ نفر، بیشترین تناسب شغلی بین رشته‌های مشاوره و روانشناسی وجود دارد. بین تحصیلات پدر و مادر و وضعیت شغلی دانش‌آموختگان رابطه معناداری وجود نداشته است. ۸۶ درصد شاغلان پدران و مادران آنان بیسواد و کم‌سواد بوده‌اند. حدود ۸ درصد در بخش دولتی مشغول به کار بوده‌اند و بیشترین شاغلان مربوط به دانش‌آموختگان سال ۱۳۷۳ و ۱۳۷۵ است. محقق، علت این امر را وضعیت شغلی بسامان‌تر و جذب نیروی انسانی بیشتر در این دو سال می‌داند، چرا که در بخش دولتی در سالهای مذکور استخدام گسترده‌تری وجود داشته است. بیشترین غیر شاغلان، دلیل بیکاری خود را عدم جذب از سوی آموزش و پرورش و برخی نیز کم بودن حقوق و مرتبط نبودن رشته تحصیلی با شغل مربوط ذکر کرده‌اند و در بین زنان بیشترین علت بیکاری ادامه تحصیل عنوان شده است.

فهیم (۱۳۷۵) سعی کرده بر اساس اطلاعات سازمان کار و امور اجتماعی، از بیکاران در جستجوی کار ثبت نام کرده، تا علت بیکاری آنها تبیین گردد. نویسنده علت بیکاری فارغ‌التحصیلان را عدم تناسب ظرفیت اشتغال‌زایی کشور با رشد فارغ‌التحصیلان، نبود ارتباط کافی میان نظام آموزش و نظام اشتغال، عدم فراگیری مهارت‌های لازم بازار کار توسط دانشجویان، عدم تحرک جغرافیایی کافی فارغ‌التحصیلان، تحرک شغلی اندک فارغ‌التحصیلان، عدم هماهنگی میان موسسات آموزش‌عالی و مراکز تولید و کارفرمایان، فقدان اطلاعات مورد نیاز درباره بازار کار ذکر می‌کند.

مهرعلی زاده (۱۳۷۳) پژوهشی انجام داده که براساس آن، آمارهای بیکاری برحسب مشاغل مختلف ارائه شده است. بنابر نظر سازمان بین‌المللی کار، کارمندان موجود در مشاغل زیر یعنی:

۱- گروه فنی و حرفه‌ای و کارگران وابسته ۲- کارمندان مدیریتی، اجرایی و اداری از جمله کارگرانی هستند، که عمدتاً دارای آموزش‌های عالی بوده و موقعیت بیکاری آنها تقریباً نمایانگر موقعیت بیکاری فارغ‌التحصیلان است. همچنین علاوه بر بیکاری آشکار، مسئله بیکاری پنهان و کم‌کاری نیز جزء پدیده‌های نوظهور در میان فارغ‌التحصیلان عالی است. این پدیده بیشتر برای کشورهای فیلیپین، بنگلادش و هندوستان صادق است. اگرچه کشورهای صنعتی نظیر آمریکا، نیز از این پدیده رنج می‌برند. همچنین در کشورهای سوسیالیستی که بیکاری آشکار وجود ندارد، بیکاری پنهان و کم‌کاری یک پدیده عمومی است.

همچنین در مورد نرخ و زمان بیکاری که شامل میانگین سالها و یا ماه‌های بیکاری بعد از فارغ‌التحصیلی می‌باشد، می‌توان به تحقیقات انجام شده توسط موسسه بین‌المللی برنامه‌ریزی آموزش (IIEP) یونسکو (سانیل^۱، ۱۹۸۷) و مطالعات دیگر اشاره نمود. این مطالعات نشان دهنده رابطه U شکل میان آموزش و بیکاری است. به عبارت دیگر با افزایش سطح آموزش، میزان بیکاری کاهش می‌یابد تا به آموزش متوسطه که در وسط شکل U قرار دارد، برسد و از آن به بعد با افزایش سطح آموزش، میزان بیکاری افزایش می‌یابد.

روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف، توصیفی و از نظر نوع پیمایشی است و از نظر ماهیت تحقیق کاربردی به حساب می‌آید. تحقیقات کاربردی به سمت کاربرد عملی دانش، هدایت می‌شود. از آنجایی که وقایع در این روش تحقیق، قبلاً اتفاق افتاده یا هم‌اکنون موجودند، پژوهشگر صرفاً متغیرهای مناسب را برای تحلیل روابط بین آنها انتخاب می‌کند.

برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شده است. مقیاس اندازه‌گیری سوالات بسته این پرسشنامه، طیف لیکرت با مقیاس مدرج پنج‌گزینه‌ای است. علاوه بر سوالات بسته مذکور، برای هر یک از ابعاد اصلی این پرسشنامه، یک سوال باز برای آنکه پاسخگویان پاسخ خودشان را هر گونه که مایلند، بیان کنند، طراحی شده است. به دلیل عدم کد گذاری این سوالات، پاسخ مربوط به این سوال باز به طور جداگانه فهرست‌گیری، طبقه‌بندی و مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل کلیه فارغ‌التحصیلان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه در طی سالهای ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۲ می‌باشد. به منظور اخذ نمونه مناسب برای جمع‌آوری اطلاعات از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب استفاده شد. حجم نمونه ۱۳۶ نفر برای انجام این پژوهش تعیین شدند. در مرحله بعدی، دانش‌آموختگان رشته‌های مختلف بر حسب نسبت آنها در جامعه انتخاب شدند و سعی شد، تا حد ممکن نسبت دانش‌آموختگان جامعه در نمونه نیز لحاظ شود.

جامعه تحقیق شامل دو گروه می‌باشد. گروه اول شامل رئیس دانشگاه، معاونین، اعضای هیات علمی شاغل در دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه است که جمعیت نمونه این گروه را ۲۵۰ نفر تشکیل می‌دهد. انتخاب جمعیت نمونه از گروه اول به روش نمونه تصادفی طبقه‌ای می‌باشد. تعداد دانشگاهیان ۶۲ نفر می‌باشد که با روش کوکران انتخاب شده است.

$$r_z = \frac{\frac{z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{z^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

گروه دوم، شامل کلیه فارغ‌التحصیلان رشته‌های تحصیلی مختلف دانشگاه آزاد واحد کرمانشاه از سالهای ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۲ می‌باشند، که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، تعداد ۱۵۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب و نتایج جهت تحلیل و تفسیر آماری مورد استفاده قرار می‌گیرد.

روایی (اعتبار) و پایایی (قابلیت اعتماد) ابزار پژوهش

برای پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ و برای تعیین روایی از نظرات متخصصین استفاده شده است. برای تعیین روایی پایان نامه، ابتدا ۳۰ پرسشنامه در میان افرادی که به شرح ذیل آمده است، توزیع شده و بعد از تایید روایی پرسشنامه، به تعداد ۱۵۵ پرسشنامه در میان فارغ‌التحصیلان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه توزیع و جمع‌آوری گردیده است:

- استفاده از نظرات اساتید متخصص.
- استفاده از نظرات کارمندان و مدیران دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه.
- استفاده از نظرات کارشناسان آماری.

به منظور بررسی میزان پایایی پرسشنامه، ابتدا داده‌های بدست آمده از پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ^۲ مورد محاسبه قرار گرفت که ضریب آلفای کرونباخ طبق فرمول و جدول ذیل می‌باشد:

$$\alpha = \frac{n}{n-1} \left[1 - \frac{\sum s_i^2}{s_x^2} \right]$$

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

1- Validity

2 -Reliability

3 -Cron bach Alpha

جدول (۱): همبستگی سئوالات خرده مقیاس آموزشی با نمره کل

عوامل آموزشی	
۱. ضعف نظام گزینش	0/437
۲. عدم انطباق بین رشته‌ها	0/607
۳. همسو نبودن با تحولات جامعه	0/427
۴. کثرت فارغ التحصیلان	0/475
۵. ضعف مهارت‌های حرفه‌ای	0/603
۶. کافی نبودن واحد کارورزی	0/533
۷. پایین بودن سطح علمی	0/422
۸. توسعه کمی بدون توسعه کیفی	0/480

نتایج به دست آمده از جدول بالا، بیانگر ارتباط تک تک سئوالات با نمره کل مربوط به عوامل آموزشی می‌باشد و بیانگر ارتباط معناداری بین سئوالات با نمره کل می‌باشد، که تأیید کننده ارتباط درونی سئوالات با هم می‌باشد.

جدول (۲): آلفای کرونباخ عوامل مدیریتی

تعداد آیتمها	آلفای درون گروهی آیتمها S	آلفای کرونباخ
۷	0/791	0/890

بر اساس نتایج به دست آمده برای سنجش نقش عوامل مدیریتی موثر بر بیکاری فارغ التحصیلان، تعداد ۶ سوال مورد استفاده واقع گردید. روایی سئوالات به دست آمده و نمره کل این مقیاس با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۹۰ بوده است، که بیانگر روایی بالا و قابل قبولی می‌باشد.

جدول (۳): همبستگی سئوالات عوامل مدیریتی با نمره کل

عوامل مدیریتی	
۹. ناهماهنگی دستگاههای اجرایی	0/658
۱۰. ناکارآمد بودن مدیریت دولتی	0/668
۱۱. تشریفات دیوانسالاری	0/545
۱۲. گماردن افراد فاقد صلاحیت در راس امور	0/502
۱۳. وجود سازمانهای موازی در کشور	0/636
۱۴. تعدد مراکز تصمیم گیری	0/563

نتایج جدول بالا بیانگر ارتباط تک تک سوالات با نمره کل مربوط به عوامل مدیریتی می‌باشد، که بیانگر ارتباط معناداری بین سوالات با نمره کل می‌باشد و می‌تواند، تأیید کننده ارتباط درونی سوالات با هم باشد.

جدول (۴): آلفای کرونباخ عوامل فرهنگی و اجتماعی

تعداد آیتها	آلفای کرونباخ درون گروهی	آلفای کرونباخ
۷	0/343	0/843

طبق نتایج به دست آمده برای سنجش عوامل فرهنگی و اجتماعی موثر بر بیکاری فارغ التحصیلان، تعداد ۶ سوال مورد استفاده واقع گردید. روایی سوالات به دست آمده با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۴۳ بوده است، که بیانگر روایی بالا و قابل قبولی می‌باشد.

جدول (۵): همبستگی درون گروهی سوالات مربوط به عامل فرهنگی و اجتماعی با نمره کل آن

فرهنگی اجتماعی	
۰/۵۲۰	۱۵. مدرک گرایی در بین جوانان
۰/۵۹۳	۱۶. اطلاع ناکافی از فرصتهای شغلی
۰/۵۷۲	۱۷. توسعه نیافتگی فرهنگ تعاون
۰/۵۴۷	۱۸. رعایت روابط فامیلی
۰/۶۴۷	۱۹. توقع برای اشتغال در بخش دولتی
۰/۷۴۶	۲۰. زیاده خواهی فارغ التحصیلان

نتایج به دست آمده از جدول بالا، بیانگر ارتباط تک تک سوالات با نمره کل مربوط به عوامل فرهنگی - اجتماعی می‌باشد و بیانگر ارتباط معناداری بین سوالات با نمره کل می‌باشد، که تأیید کننده ارتباط درونی سوالات با هم می‌باشد.

اشتغال و جنسیت فارغ التحصیلان

طبق نتایج به دست آمده از جدول می‌توان مشاهده کرد، از تعداد کل آزمودنیها ۵۲ درصد زن و ۴۸ درصد مرد بوده‌اند. از تعداد مردان فارغ التحصیل ۲۹ درصد شاغل و ۱۹ درصد بیکار و از تعداد

جدول (۶): توزیع درصدی اشتغال پاسخگویان بر حسب جنسیت فارغ التحصیلان

نوع اشتغال	جنسیت		جمع
	مرد	زن	
شاغل	۲۹	۱۲	۴۱
بیکار	۱۹	۴۰	۵۹
جمع	۴۸	۵۲	۱۰۰

زنان فارغ التحصیل ۴۰ درصد بیکار و تنها ۱۲ درصد شاغل بوده‌اند. بنابراین می‌توان به راحتی نتیجه گرفت، بیکاری در بین زنان فارغ التحصیل بیش از مردان دیده می‌شود.

جدول (۷): توزیع درصدی اشتغال پاسخگویان بر حسب تاهل فارغ التحصیلان

نوع اشتغال	نوع تاهل		جمع
	متاهل	مجرد	
شاغل	۱۹	۲۲	۴۱
بیکار	۸	۵۱	۵۹
جمع	۲۷	۶۳	۱۰۰

طبق نتایج به دست آمده می‌توان مشاهده کرد، از تعداد کل آزمودنیها ۶۳ درصد مجرد و تنها ۲۷ درصد متاهل می‌باشند و از ۶۳ درصد مجردین تعداد ۲۲ درصد آنها شاغل و ۵۱ درصد آنها بیکار می‌باشند و از بین متاهلین ۱۹ درصد شاغل و ۸ درصد بیکار می‌باشند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت، اکثر افراد بیکار و غیر شاغل مجرد می‌باشند.

جدول (۸): توزیع درصدی گروه تحصیلی پاسخگویان بر حسب بیکاری فارغ التحصیلان

نوع اشتغال	شاغل	گروه تحصیلی				جمع
		فنی	کشاورزی	علوم پایه	انسانی	
اشتغال	شاغل	۱۲	۵	۷	۱۷	۴۱
	بیکار	۹	۱۱	۱۶	۲۳	۵۹
جمع		۲۱	۱۶	۲۳	۴۰	۱۰۰

نتایج به دست آمده بیانگر آن است که بین تمام آزمودنیها ۲۱ درصد در رشته‌های فنی (۱۲ درصد شاغل و ۹ درصد بیکار) و از این تعداد ۱۶ درصد در رشته‌های کشاورزی (۵ درصد شاغل و ۱۱ درصد بیکار) و تعداد ۲۳ درصد در رشته‌های علوم پایه (۷ درصد شاغل و ۱۶ درصد بیکار)

و مابقی ۴۰ درصد در رشته‌های علوم انسانی (۱۷ درصد شاغل و ۲۳ درصد بیکار) فارغ‌التحصیل شده‌اند.

آمار استنباطی

فرضیه اول: بین عوامل مدیریتی و بیکاری دانش آموختگان رابطه وجود دارد.

نتایج به دست آمده بیانگر ارتباط معنادار عوامل آموزشی و سوالات آن مقیاس، با بیکاری فارغ‌التحصیلان می‌باشد. ارتباط عوامل آموزشی با بیکاری فارغ‌التحصیلان ۴۷٪ بوده که بیانگر معناداری ارتباط بین عوامل آموزشی و بیکاری فارغ‌التحصیلان با اطمینان ۹۵ درصد می‌باشد. همچنین بین تک تک سوالات، ارتباط معناداری با بیکاری مشاهده شد، که به ترتیب شدت همبستگی، می‌توان آنها را به ترتیب زیر عنوان کرد.

- سوال اول (ارتباط بیکاری با ضعف نظام‌گزینش دانشجو) با ضریب همبستگی ۴۲٪ و با اطمینان ۹۵ درصد رابطه معنادار بوده است.
- سوال دوم (ارتباط بیکاری با عدم انطباق میان رشته‌های آموزشی و دانش مورد نیاز بازار کار) با ضریب همبستگی ۶۸٪ و با اطمینان ۹۹ درصد رابطه معنادار بوده است.
- سوال سوم (ارتباط بیکاری با ثبات برنامه‌های آموزشی و شیوه‌های آموزش در دانشگاه و همسو نبودن آنها با تحولات اقتصادی) با ضریب همبستگی ۴۳۶٪ و با اطمینان ۹۵ درصد رابطه معنادار بوده است.
- سوال چهارم (ارتباط بیکاری با کثرت فارغ‌التحصیلان دانشگاه در رشته‌های علوم انسانی) با ضریب همبستگی ۴۱٪ و با اطمینان ۹۵ درصد رابطه معنادار بوده است.
- سوال پنجم (ارتباط بیکاری با ضعف مهارت‌های حرفه‌ای فارغ‌التحصیلان) با ضریب همبستگی ۴۶٪ و با اطمینان ۹۹ درصد رابطه معنادار بوده است.
- سوال ششم (ارتباط بیکاری با کافی نبودن واحدهای کارورزی در رشته‌های مختلف) با ضریب همبستگی ۵۳۸٪ و با اطمینان ۹۹ درصد رابطه معنادار بوده است.
- سوال هفتم (ارتباط بیکاری با پایین بودن سطح علمی فارغ‌التحصیلان) با ضریب همبستگی ۵۰٪ و با اطمینان ۹۹ درصد رابطه معنادار بوده است.
- سوال هشتم (ارتباط بیکاری با توسعه کمی دانشگاه بدون توجه به کیفیت) با ضریب همبستگی ۴۶٪ و با اطمینان ۹۹ درصد رابطه معنادار بوده است.

بنابراین در نهایت می‌توان نتیجه گرفت، عوامل آموزشی زیر، به ترتیب در بیکاری موثر می‌باشند: عدم انطباق میان رشته‌های آموزشی و دانش مورد نیاز بازار کار، ضعف مهارت‌های حرفه‌ای فارغ‌التحصیلان، کافی نبودن واحدهای کارورزی در رشته‌های مختلف، پایین بودن سطح علمی فارغ‌التحصیلان، توسعه کمی دانشگاه بدون توجه به کیفیت، ثبات برنامه‌های آموزشی و شیوه‌های آموزش در دانشگاه و همسو نبودن آنها با تحولات اقتصادی، ضعف نظام‌گزینش دانشجو، کثرت فارغ‌التحصیلان دانشگاه در رشته‌های علوم انسانی.

جدول (۹): ضریب همبستگی عوامل آموزشی و سوالات آن با بیکاری فارغ التحصیلان

		بیکاری
عوامل آموزشی	Correlation Coefficient	.۴۷۳
	Sig. (2-tailed)	.۰۱۸
	N	۲۰
s1 ۱. ضعف نظام گزینش	Correlation Coefficient	.۴۲۱
	Sig. (2-tailed)	.۰۲۰
	N	۲۰
s2 ۲. عدم انطباق بین رشته‌ها	Correlation Coefficient	.۶۸۶
	Sig. (2-tailed)	.۰۰۰
	N	۲۰
s3 ۳. همسو نبودن با تحولات جامعه	Correlation Coefficient	.۴۳۶
	Sig. (2-tailed)	.۰۱۴
	N	۲۰
s4 ۴. کثرت فارغ التحصیلان	Correlation Coefficient	.۴۱۵
	Sig. (2-tailed)	.۰۲۷
	N	۲۰
s5 ۵. ضعف مهارت‌های حرفه ای	Correlation Coefficient	.۵۴۸
	Sig. (2-tailed)	.۰۰۱
	N	۲۰
s6 ۶. کافی نبودن واحد کارورزی	Correlation Coefficient	.۵۳۸
	Sig. (2-tailed)	.۰۰۱
	N	۲۰
s7 ۷. پایین بودن سطح علمی	Correlation Coefficient	.۵۰۹
	Sig. (2-tailed)	.۰۰۱
	N	۲۰
s8 ۸. توسعه کمی بدون توسعه کیفی	Correlation Coefficient	.۴۶۱
	Sig. (2-tailed)	.۰۰۹
	N	۲۰

*. Correlation is significant at the 0.05 level (2-tailed).

جدول (۱۰): ضریب همبستگی رگرسیون خطی جهت بررسی ارتباط عوامل آموزشی با بیکاری فارغ التحصیلان

Model	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate
۱	.۸۷۵	.۸۵۶	.۰۶۰	.۰۹۷۴۶
a. Predictors: (Constant), s8, amoozeshi, s1, s3, s5, s7, s6, s4				
b. Dependent Variable: eshteghal				

طبق نتایج به دست آمده، میزان R به دست آمده برابر است با ۰.۸۷۵، که بیانگر ارتباط معنادار عوامل آموزشی با بیکاری فارغ التحصیلان می باشد.

جدول (۱۱): پیش فرض آنووا برای محاسبات رگرسیون

Model	Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
۱ Regression	۲/۲۷۸	۸	.۲۸۵	۵/۱۵۱	.۰۰۴
Residual	۲/۷۲۲	۱۱	.۲۴۷		
Total	۵/۰۰۰	۱۹			
a. Predictors: (Constant), s8, amoozeshi, s1, s3, s5, s7, s6, s4					
b. Dependent Variable: eshteghal					

نتایج جدول نیز تفاوت درون گروهی و برون گروهی عوامل آموزشی را تأیید می کند.

جدول (۱۲): ضریب همبستگی عوامل آموزشی با بیکاری فارغ التحصیلان

Model	Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	T	Sig.	
	B	Std. Error	Beta			
1	(Constant)	۲/۳۲۵	.724		۳/۲۴۹	۱۰۰۸
	عوامل آموزشی	۰/۲۲۱	.020	۴/۳۲۶	۶/۰۶۰	۱۰۰۱
	۱. ضعف نظام گزینش	۰/۴۶۹	.506	۲/۴۳۳	۴/۵۳۱	۱۰۰۶
	۲. عدم انطباق بین رشته ها	۰/۳۸۴	.480	۲/۲۶۷	۰/۳۸۲	۱۰۰۳
	۳. همسو نبودن با تحولات جامعه	۰/۳۲۴	.540	۲/۲۷۲	۳/۲۲۸	۱۰۱۴
	۴. کثرت فارغ التحصیلان	۰/۴۶۸	.561	۳/۱۳۶	۴/۱۲۱	۱۰۰۶
	۵. ضعف مهارت‌های حرفه‌ای	۰/۳۷	.397	۲/۷۹۴	۵/۸۴۹	۱۰۰۴
	۶. کافی نبودن واحد کارورزی	۰/۴۶۱	.307	۲/۶۵۲	۴/۸۵۰	۱۰۰۳
	۷. پایین بودن سطح علمی	۰/۸۹۱	.331	۳/۵۶۸	۲/۰۹۰	۱۰۰۱
	۸. توسعه کمی بدون توسعه کیفی	۰/۷۹۱	.۲31	۲/۴۶۳	۲/۰۶۳	۱۰۰۳

a. Dependent Variable: eshteghal

نتایج جدول، بیانگر ضریب B و Beta برای ارتباط بین عوامل مختلف می‌باشد که همه با اطمینان ۹۵ درصد تأیید شده است. بنابراین به طور کلی می‌توانیم، نتیجه بگیریم که عوامل آموزشی در بیکاری فارغ التحصیلان نقش مهم و بسزایی دارد و به طور معناداری بین بیکاری فارغ التحصیلان و عوامل آموزشی ارتباط معناداری دیده می‌شود. بنابراین فرض تحقیق با اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌گردد.

فرضیه دوم: بین عوامل مدیریتی و بیکاری فارغ التحصیلان رابطه معناداری وجود دارد. نتایج به دست آمده بیانگر ارتباط معنادار عوامل مدیریتی و سوالات آن مقیاس با بیکاری فارغ التحصیلان می‌باشد. ارتباط عوامل مدیریتی با بیکاری فارغ التحصیلان ۵۲۴/۰ بوده که بیانگر ارتباط معنادار، بین عوامل مدیریتی و بیکاری فارغ التحصیلان با اطمینان ۹۹ درصد می‌باشد.

جدول (۱۳): ضریب همبستگی عوامل مدیریتی و سوالات آن با بیکاری فارغ التحصیلان

		بیکاری فارغ التحصیلان
عوامل مدیریتی	Pearson Correlation	.۵۲۴*
	Sig. (2-tailed)	.۰۰۱
	N	
۹. ناهماهنگی دستگاههای اجرایی	Pearson Correlation	.۴۲۴*
	Sig. (2-tailed)	.۰۰۸
	N	۲۰
۱۰. ناکارآمد بودن مدیریت دولتی	Pearson Correlation	.۴۹۲
	Sig. (2-tailed)	.۰۰۳
	N	۲۰
۱۱. تشریفات دیوانسالاری	Pearson Correlation	.۳۱۴*
	Sig. (2-tailed)	.۰۲۶
	N	۱۷
۱۲. گماردن افراد فاقد صلاحیت در راس امور	Pearson Correlation	.۵۷۴*
	Sig. (2-tailed)	.۰۰۱
	N	۲۰
۱۳. وجود سازمانهای موازی در کشور	Pearson Correlation	.۶۰۳
	Sig. (2-tailed)	.۰۰۰
	N	۲۰
۱۴. تعدد مراکز تصمیم گیری	Pearson Correlation	.۳۶۰
	Sig. (2-tailed)	.۰۲۰
	N	۲۰

*. Correlation is significant at the 0.05 level (2-tailed).

همچنین بین تک تک سوالات ارتباط معناداری با بیکاری مشاهده شد، که به ترتیب شدت همبستگی، می‌توان آنها را به ترتیب زیر ذکر کرد.

- سوال نهم (ارتباط بیکاری با ناهماهنگی دستگاه‌های اجرایی) با ضریب همبستگی ۰/۴۲، و با اطمینان ۹۵ درصد، معنادار بوده است.
- سوال دهم (ارتباط بیکاری با ناکارآمد بودن مدیریت دولتی در اداره امور اقتصادی) با ضریب همبستگی ۰/۴۹، و با اطمینان ۹۹ درصد، معنادار بوده است.
- سوال یازدهم (ارتباط بیکاری با تشریفات دیوانسالاری) با ضریب همبستگی ۰/۳۱۴، و با اطمینان ۹۵ درصد، معنادار بوده است.
- سوال دوازدهم (ارتباط بیکاری با گمردن افراد فاقد صلاحیت در راس امور اجرایی) با ضریب همبستگی ۰/۵۷۴، و با اطمینان ۹۹ درصد، معنادار بوده است.
- سوال سیزدهم (ارتباط بیکاری با وجود سازمانهای موازی در کشور) با ضریب همبستگی ۰/۶۰۳، و با اطمینان ۹۹ درصد، معنادار بوده است.
- سوال چهاردهم (ارتباط بیکاری با تعدد مراکز تصمیم‌گیری) با ضریب همبستگی ۰/۳۶، و با اطمینان ۹۵ درصد، معنادار بوده است.

بنابراین، به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت، فرض تحقیق مبنی بر ارتباط عوامل آموزشی با بیکاری فارغ‌التحصیلان تأیید می‌گردد. همچنین می‌توان با توجه به رابطه خرده عوامل مختلف، نتیجه گرفت که عوامل مدیریتی زیر، به ترتیب در بیکاری فارغ‌التحصیلان تأثیر دارد:

- وجود سازمانهای موازی در کشور
- گمردن افراد فاقد صلاحیت در راس امور اجرایی
- ناکارآمد بودن مدیریت دولتی در اداره امور اقتصادی
- ناهماهنگی دستگاه‌های اجرایی
- تعدد مراکز تصمیم‌گیری
- تشریفات دیوانسالاری

جدول (۱۴): ضریب همبستگی عوامل مدیریتی با بیکاری فارغ‌التحصیلان

Model	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate
۱		.۸۴۶	.۸۵۷	.۲۱۲
a. Predictors: (Constant), s14, s11, modiriati, s13, s10, s12, s9				
b. Dependent Variable: eshteghal				

طبق نتایج به دست آمده میزان R به دست آمده، برابر است با ۰/۸۴۶، که بیانگر ارتباط معنادار عوامل مدیریتی با بیکاری فارغ‌التحصیلان می‌باشد.

جدول (۱۵): جدول پیش فرض آنووا برای محاسبات رگرسیون

del		Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
۱	Regression	۲/۳۵۹	۷	۰/۳۳۷	۴/۶۱۶	۰/۰۰۶
	Residual	۱/۸۷۶	۹	۰/۲۰۸		
	Total	۴/۲۴۵	۱۶			
a. Predictors: (Constant), s14, s11, modiriati, s13, s10, s12, s9						
b. Dependent Variable: eshteghal						

نتایج جدول نیز تفاوت درون گروهی و برون گروهی عوامل مدیریتی را تأیید می‌کند.

جدول (۱۶): ضریب همبستگی عوامل مدیریتی با بیکاری فارغ‌التحصیلان

Model	Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	t	Sig.	
	B	Std. Error	Beta			
1	تقابل درون گروهی	۱/۵۵۳	.862		۵/۸۰۲	۰/۰۰۰
	عوامل مدیریتی	۰/۴۶۹	.506	۲/۴۳۳	۴/۹۳۱	۰/۰۰۱
	۹. ناهماهنگی دستگاههای اجرایی	-۰/۵۸۴	.480	۲/۲۶۷	۵/۳۸۲	۰/۰۰۰
	۱۰. ناکارآمد بودن مدیریت دولتی	۰/۳۲۳	.540	۲/۲۷۲	۳/۸۲۸	۰/۰۰۴
	۱۱. تشریفات دیوانسالاری	-۰/۴۶۸	.561	۳/۱۳۶	۴/۷۲۱	۰/۰۰۶
	۱۲. گمردن افراد فاقد صلاحیت در راس امور	۰/۴۷۷	.397	۲/۷۹۴	۵/۴۴۹	۰/۰۰۳
	۱۳. وجود سازمانهای موازی در کشور	-۰/۳۹۱	.307	۲/۶۵۲	۴/۸۵۰	۰/۰۰۰
	۱۴. تعدد مراکز تصمیم گیری	-۰/۸۷۱	.133	۳/۵۶۸	۵/۰۹۰	۰/۰۰۰
a. Dependent Variable: eshteghal						

نتایج جدول بیانگر ضریب B و Beta برای ارتباط بین عوامل مختلف می‌باشد، که همه با اطمینان ۹۵ درصد تأیید شده است. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، ضریب همبستگی بین بیکاری فارغ‌التحصیلان و عوامل مدیریتی در بیکاری فارغ‌التحصیلان نقش مهم و بسزایی دارد و به طور معناداری بین بیکاری فارغ‌التحصیلان و عوامل مدیریتی ارتباط معناداری دیده می‌شود. بنابراین فرض تحقیق با اطمینان ۹۵ درصد، تأیید می‌گردد.

فرضیه سوم: بین عوامل فرهنگی - اجتماعی و بیکاری فارغ التحصیلان رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج به دست آمده بیانگر ارتباط معنادار عوامل فرهنگی - اجتماعی و سوالات آن مقیاس، با بیکاری فارغ التحصیلان می باشد. ارتباط عوامل فرهنگی - اجتماعی با بیکاری فارغ التحصیلان ۴۶٪ بوده که بیانگر ارتباط معنادار بین عوامل آموزشی و بیکاری فارغ التحصیلان با اطمینان ۹۵ درصد می باشد.

همچنین بین تک تک سوالات، ارتباط معناداری با بیکاری مشاهده شد، که به ترتیب شدت همبستگی، می توان آنها را به ترتیب زیر ذکر کرد.

- سوال پانزدهم (ارتباط بیکاری با مدرک گرایی در بین جوانان) با ضریب همبستگی ۴۳٪ و با اطمینان ۹۵ درصد، معنادار بوده است.
- سوال شانزدهم (ارتباط بیکاری با اطلاع ناکافی از چگونگی فرصت های شغلی) با ضریب همبستگی ۶۰۸٪ و با اطمینان ۹۹ درصد، معنادار بوده است.
- سوال هفدهم (ارتباط بیکاری با توسعه نیافتگی فرهنگ تعاون) با ضریب همبستگی ۴۱۹٪ و با اطمینان ۹۵ درصد، معنادار بوده است.
- سوال هجدهم (ارتباط بیکاری با رعایت روابط فامیلی در به کار گماردن افراد) با ضریب همبستگی ۶۰۹٪ و با اطمینان ۹۵ درصد، معنادار بوده است.
- سوال نوزدهم (ارتباط بیکاری با توقع فارغ التحصیلان برای اشتغال در بخش دولتی) با ضریب همبستگی ۵۵۲٪ و با اطمینان ۹۹ درصد، معنادار بوده است.
- سوال بیستم (ارتباط بیکاری با زیاده خواهی فارغ التحصیلانی که حاضر نمی شوند، تن به هر کاری دهند) با ضریب همبستگی ۵۸٪ و با اطمینان ۹۹ درصد، معنادار بوده است.

بنابراین، نتیجه می گیریم که فرض تحقیق مبنی بر ارتباط عوامل فرهنگی اجتماعی با بیکاری فارغ التحصیلان تأیید می گردد و طبق نتایج به دست آمده عوامل فرهنگی، اجتماعی مرتبط با بیکاری فارغ التحصیلان، به ترتیب زیر بیشترین اهمیت را دارند:

- اطلاع ناکافی از چگونگی فرصت های شغلی
- رعایت روابط فامیلی در به کار گماردن افراد
- توقع فارغ التحصیلان برای اشتغال در بخش دولتی
- زیاده خواهی فارغ التحصیلانی که حاضر نمی شوند، تن به هر کاری دهند
- مدرک گرایی در بین جوانان

توسعه نیافتگی فرهنگ تعاون

جدول (۱۷): ضریب همبستگی بین عوامل فرهنگی - اجتماعی

با بیکاری فارغ التحصیلان

		بیکاری فارغ التحصیلان
عوامل فرهنگی	Correlation Coefficient	.۴۶۳**
	Sig. (2-tailed)	.۰۰۳
	N	۲۰
۱۵. مدرک گرایی در بین جوانان	Correlation Coefficient	.۴۳۳۳**
	Sig. (2-tailed)	.۰۰۸
	N	۲۰
۱۶. اطلاع ناکافی از فرصتهای شغلی	Correlation Coefficient	.۶۰۸**
	Sig. (2-tailed)	.۰۰۰
	N	۲۰
۱۷. توسعه نیافتگی فرهنگ تعاون	Correlation Coefficient	.۴۱۹**
	Sig. (2-tailed)	.۰۱۱
	N	۲۰
۱۸. رعایت روابط فامیلی	Correlation Coefficient	.۶۰۹**
	Sig. (2-tailed)	.۰۰۰
	N	۲۰
۱۹. توقع برای اشتغال در بخش دولتی	Correlation Coefficient	.۵۵۲**
	Sig. (2-tailed)	.۰۰۱
	N	۲۰
۲۰. زیاده خواهی فارغ التحصیلان	Correlation Coefficient	.۵۸۳**
	Sig. (2-tailed)	.۰۰۸
	N	۲۰
level (2-tailed).۰۱*. Correlation is significant at the 0.0		

جدول (۱۸): ضریب همبستگی رگرسیون خطی جهت بررسی ارتباط عوامل فرهنگی - اجتماعی

با بیکاری فارغ التحصیلان

Model	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate
۱	.۸۵۸ ^a	.۸۷۴	.۳۲۶	۱۰۲۱۱۰
a. Predictors: (Constant), s20, s16, farhangi, s18, s17, s15, s19				
b. Dependent Variable: eshteghal				

طبق نتایج به دست آمده میزان R به دست آمده برابر است با ۰/۸۵۸ که بیانگر ارتباط معنادار عوامل آموزشی با بیکاری فارغ التحصیلان می باشد.

جدول (۱۹): جدول پیش فرض آنووا برای محاسبات رگرسیون

Model		Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
1	Regression	۲/۸۷۲	۷	۴۱۰	۴/۳۱۴	۰/۰۷ ^a
	Residual	۲/۱۲۸	۱۲	۱۷۷		
	Total	۵/۰۰۰	۱۹			
a. Predictors: (Constant), s20, s16, farhangi, s18, s17, s15, s19						
b. Dependent Variable: eshteghal						

نتایج جدول نیز تفاوت درون گروهی و برون گروهی عوامل فرهنگی - اجتماعی را تأیید می کند.

جدول (۲۰): ضریب همبستگی عوامل فرهنگی - اجتماعی با بیکاری فارغ التحصیلان

Model		Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	t	Sig.
		B	Std. Error	Beta		
۱	تقابل عوامل	۱/۱۴۸	۱/۰۹۸		۴/۰۴۶	۰/۰۰۶
	عوامل فرهنگی	۰/۴۹۱	۰/۴۱۸	۲/۵۵۷	۳/۲۴۰	۰/۰۰۵
	۱۵.مدرك گرايی در بين جوانان	۰/۵۰۴	۰/۴۸۰	۲/۲۶۷	۵/۳۸۲	۰/۰۰۱
	۱۶.اطلاع ناکافی از فرصتهای شغلی	۰/۴۲۳	۰/۵۴۰	۲/۲۷۲	۳/۸۲۸	۰/۰۰۴
	۱۷.توسعه نیافتگی فرهنگ تعاون	۰/۴۸	۰/۶۱	۳/۱۳۶	۳/۸۲۸	۰/۰۱۶
	۱۸.رعایت روابط فامیلی	۰/۴۷۲	۰/۳۹۴	۲/۷۹۴	۳/۹۴۹	۰/۰۲۳
	۱۹.توقع برای اشتغال در بخش دولتی	۰/۴۹۱	۰/۳۰۷	۲/۶۵۲	۳/۸۵۰	۰/۰۰۱
	۲۰.زیاده خواهی فارغ التحصیلان	۰/۵۷۱	۰/۳۳۱	۳/۵۶۸	۵/۰۹۰	۰/۰۱۰

a. Dependent Variable: eshteghal

نتایج جدول بیانگر ضریب B و Beta برای ارتباط بین عوامل فرهنگی - اجتماعی و بیکاری فارغ التحصیلان می باشد، که همه با اطمینان ۹۵ درصد تأیید شده است. بنابراین، به طور کلی می توانیم نتیجه بگیریم، عوامل فرهنگی - اجتماعی در بیکاری فارغ التحصیلان، نقش مهم و بسزایی دارد و به طور معناداری بین بیکاری فارغ التحصیلان و عوامل فرهنگی - اجتماعی، ارتباط معناداری دیده می شود. بنابراین فرض تحقیق با اطمینان ۹۵ درصد تأیید می گردد.

یافته های تحقیق

با استفاده از نتایج به دست آمده از جداول تحقیق، می توان مشاهده کرد که از تعداد کل فارغ التحصیلان دانشگاه، ۵۹ درصد آنها بیکار و یا جویای کار می باشند و تنها ۴۱ درصد فارغ التحصیلان شاغل می باشند که از این تعداد نیز شغل ۱۴ درصد با رشته تحصیلی مرتبط و ۲۷ درصد باقیمانده، شغل غیر مرتبط با رشته تحصیلی خود دارند. همچنین از تعداد کل آزمودنیها، ۵۲ درصد زن و ۴۸ درصد مرد بوده اند. از تعداد مردان فارغ التحصیل ۲۹ درصد شاغل و ۱۹ درصد بیکار و از تعداد زنان فارغ التحصیل ۴۰ درصد بیکار و تنها ۱۲ درصد شاغل بوده اند. بنابراین می توان به راحتی نتیجه گرفت، بیکاری در بین زنان فارغ التحصیل بیش از مردان دیده می شود. بر همین اساس از تعداد کل آزمودنیها، ۶۳ درصد مجرد و تنها ۲۷ درصد متاهل می باشند و از ۶۳ درصد مجردین تعداد ۲۲ درصد آنها شاغل و ۵۱ درصد آنها بیکار می باشند و از بین متاهلین ۱۹ درصد شاغل و ۸ درصد بیکار می باشند. بنابراین می توان نتیجه گرفت، اکثر افراد بیکار و غیر شاغل مجرد می باشند. نهایتاً از بین تمام آزمودنیها ۲۱ درصد در رشته های فنی (۱۲ درصد شاغل و ۹ درصد بیکار) و از این تعداد ۱۶ درصد در رشته های کشاورزی (۵ درصد شاغل و ۱۱ درصد بیکار) و تعداد ۲۳

درصد در رشته‌های علوم پایه (۷ درصد شاغل و ۱۶ درصد بیکار) و مابقی ۴۰ درصد در رشته‌های علوم انسانی (۱۷ درصد شاغل و ۲۳ درصد بیکار) فارغ‌التحصیل شده‌اند.

فرضیه اول: بین عوامل مدیریتی و بیکاری دانش آموختگان رابطه وجود دارد.

طبق آزمون‌های آماری به عمل آمده، نتیجه گرفته شد که عوامل آموزشی در بیکاری فارغ‌التحصیلان نقش مهم و بسزایی دارد و به طور معناداری بین بیکاری فارغ‌التحصیلان و عوامل آموزشی ارتباط معناداری دیده می‌شود. بنابراین فرض تحقیق با اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌گردد.

همچنین در نهایت می‌توان نتیجه گرفت، عوامل آموزشی زیر به ترتیب در بیکاری موثر می‌باشند:

۱. عدم انطباق میان رشته‌های آموزشی و دانش مورد نیاز بازار کار
۲. ضعف مهارت‌های حرفه‌ای فارغ‌التحصیلان
۳. کافی نبودن واحدهای کارورزی در رشته‌های مختلف
۴. پایین بودن سطح علمی فارغ‌التحصیلان
۵. توسعه کمی دانشگاه بدون توجه به کیفیت
۶. ثبات برنامه‌های آموزشی و شیوه‌های آموزش در دانشگاه و همسو نبودن آنها با تحولات اقتصادی
۷. ضعف نظام گزینش دانشجو
۸. کثرت فارغ‌التحصیلان دانشگاه در رشته‌های علوم انسانی

فرضیه دوم: بین عوامل آموزشی و بیکاری فارغ‌التحصیلان رابطه معناداری وجود دارد.

بر اساس آزمون‌های آماری به عمل آمده نتیجه گرفته شد، که عوامل مدیریتی در بیکاری فارغ‌التحصیلان نقش مهم و بسزایی دارد و به طور معناداری بین بیکاری فارغ‌التحصیلان و عوامل مدیریتی ارتباط معناداری دیده می‌شود. بنابراین فرض تحقیق با اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌گردد.

بنابراین، به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت، که فرض تحقیق مبنی بر ارتباط عوامل آموزشی با بیکاری فارغ‌التحصیلان تأیید می‌گردد. همچنین می‌توان با توجه به رابطه خرده عوامل مختلف، نتیجه گرفت که عوامل مدیریتی زیر، به ترتیب در بیکاری فارغ‌التحصیلان تأثیر دارد:

۱. وجود سازمانهای موازی در کشور
۲. گم‌کردن افراد فاقد صلاحیت در راس امور اجرایی
۳. ناکارآمد بودن مدیریت دولتی در اداره امور اقتصادی
۴. ناهماهنگی دستگاه‌های اجرایی
۵. تعدد مراکز تصمیم‌گیری
۶. تشریفات دیوانسالاری

فرضیه سوم: بین عوامل فرهنگی - اجتماعی و بیکاری فارغ التحصیلان رابطه معناداری وجود دارد.

طبق نتایج به دست آمده، مشاهده می‌گردد که عوامل فرهنگی - اجتماعی در بیکاری فارغ التحصیلان نقش مهم و بسزایی دارد و به طور معناداری بین بیکاری فارغ التحصیلان و عوامل فرهنگی - اجتماعی ارتباط معناداری دیده می‌شود. بنابراین فرض تحقیق با اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌گردد.

بنابراین، نتیجه می‌گیریم که فرض تحقیق مبنی بر ارتباط عوامل فرهنگی اجتماعی با بیکاری فارغ التحصیلان تأیید می‌گردد و طبق نتایج به دست آمده عوامل فرهنگی و اجتماعی با بیکاری فارغ التحصیلان، به ترتیب زیر بیشترین اهمیت را دارد:

۱. اطلاع ناکافی از چگونگی فرصت‌های شغلی
۲. رعایت روابط فامیلی در به کار گماردن افراد
۳. توقع فارغ التحصیلان برای اشتغال در بخش دولتی
۴. زیاده خواهی فارغ التحصیلانی که حاضر نمی‌شوند، تن به هر کاری دهند
۵. مدرک گرایی در بین جوانان
۶. توسعه نیافتگی فرهنگ تعاون

به طور کلی علل بیکاری دانش آموختگان آموزش عالی در جامعه ما به شرح زیر می‌باشد: عدم تناسب رشد اقتصادی و ظرفیت اشتغال زایی جامعه، رشد دانش آموختگان، فقدان ارتباط کافی بین نظام آموزش و نظام اشتغال، کمبود مهارت‌های مورد نیاز بازار کار از سوی فارغ التحصیلان، تمرکز فارغ التحصیلان در محیط‌های مرکزی، فقدان تحرک شغلی فارغ-التحصیلان، فقدان اطلاعات در مورد نیازهای بازار کار در بین داوطلبان ورود به دانشگاه‌ها و عدم هماهنگی و ارتباط موسسات آموزشی با مراکز تولید و کارفرمایان. باتوجه به تعدد عوامل موثر بر اشتغال فارغ التحصیلان، باید برای حل این معضل از کلیه سازمانهای مرتبط، به منظور تهیه و اجرای یک طرح جامع و فراگیر در زمینه اشتغال استفاده شود. آنچه که در تدوین طرح فوق باید مدنظر قرار گیرد، توجه به عوامل اصلی موثر بر اشتغال فارغ التحصیلان آموزش عالی و مسئولیت دادن به سازمانهای مرتبط با آن است.

منابع

- احمدپور داریانی، محمود (۱۳۷۸). کارآفرینی، تهران شرکت پردیس ۵۷.
- بازرگان، عباس- (۱۳۸۲). بررسی رابطه بین رشته تحصیلی با وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش- عالی، شماره ۶۵، ص، ۱۱۱.
- برنجی، علی (۱۳۹۰). آموزش عالی، اشتغال و بیکاری، خلاصه مقالات مشکلات و چشم انداز اشتغال دانش‌آموختگان آموزش عالی و ۹ و ۱۰ خرداد. دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
- عاصمی پور، محمدجواد، (۱۳۷۹). بررسی نظام آموزشهای علمی - کاربردی و تاثیر آن بر بهره‌وری. مجموعه مقالات دومین همایش بررسی و تحلیل آموزشهای علمی کاربردی ص ۵۵.
- سیف الهی، سیف اله (۱۳۸۱). جامعه شناسی مسائل اجتماعی ایران: مجموعه مقاله‌ها و نظریه‌ها، پژوهشکده جامعه پژوهشی و برنامه‌ریزی- تهران.
- صبوحی، فرحناز (۱۳۸۰). بررسی و تحلیل علل بیکاری دانش‌آموختگان (دیدگاههای مدیران بنگاهها، دانشگاهها و دانش‌آموختگان)، موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی. طرح پژوهشی شماره ۲۴. پاییز ۱۳۸۰.
- صنعت خواه، علیرضا (۱۳۸۸). بررسی عوامل موثر بر بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهها. ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی. شماره ۱۰۹، تیرماه ۱۳۸۸. ص ۵۸.
- روشن، احمد رضا. حسینی لرگانی، مریم (۱۳۸۸). اشتغال و بیکاری دانش‌آموختگان زن. نامه آموزش عالی، دوره جدید. سال دوم، شماره ششم، تابستان ۱۳۸۸، ص ۶۷.
- مکنون، رضا (۱۳۸۰). راهبرد آموزش عالی، اشتغال و توسعه کشور، مجموعه مقالات کنگره راهبردی توسعه علمی ایران، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ستاد پیشبرد علوم ایران ۱۴۰۰.
- نصیری قیداری، حسن (۱۳۸۱). بسترسازی کارآفرینی، ماهنامه بازاریابی، شماره ۲۲، ص ۲.
- علیزاده، محمد (۱۳۸۷). بررسی بازار کار و تعادل عرضه و تقاضای نیروی انسانی متخصص کشور (گزارش طرح تحقیقاتی)، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- نوری زاده، صابر (۱۳۸۵). افزایش در آمار فارغ‌التحصیلان بیکار. روزنامه اعتماد شماره ۱۹۷۱، ۱۹ خرداد ۱۳۸۵. ص ۸.
- مظفری، مریم (۱۳۸۶). بررسی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان مامایی دانشکده علوم پزشکی بابل. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی. ص ۸۷.
- منصوری، علی (۱۳۸۱). بررسی وضعیت نیروی کار فارغ‌التحصیل دوره‌های آموزش عالی طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۱، مرکز آمار ایران.

- Alizade, M. (2008). Study of the labor market and balance supply and demand for skilled manpower in the country. Tehran: Institute of Research and Planning in Higher Education (in Persian).

- Amaral, A. (2007). Higher education and quality assessment the many rationales for quality. Retrieved from [http:// www.edu.belfileadmin / user - upload / fiels / publications](http://www.edu.belfileadmin/user-upload/fields/publications).
- Amiri, M.A. (2003). Specializing in labor issues in Iran. Tehran: Institute of Research and Planning in Higher Education (in Persian).
- Assad, J. (1997). Standards in sports entrepreneurship education. (Doctoral dissertation). United States Sports Academic.
- Assadzade, A. (2003). Study relative merits of regional employment by the university of east Azerbaijan province. Tehran: Institute of Research and Planning in Higher Education (in Persian).
- Azizi, N. (2001, September). Problems in university_ industry relations at the technological universities in third world countries (case study: Iran). Paper presented at the Acer, European conference of educational research. Lahti, Finland.
- Azizmalayeri, V. (1993). Survey relationship employment status of graduates Islamic Azad University in Units of Malayer and Arak. Tehran University.
- Bahrami, A. (1997). Graduate school of education and psychology undergraduate student employment Ahvaz during 1370-1375. Ahvaz: Ahvaz University, Faculty of Psychology and Educational Sciences (in Persian).
- Bazargan, A. (1997). Internal evaluation and application of continuous quality improvement in higher education. Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education, 3(3- 4), 14-20 (in Persian).
- Bazargan, A. (2001). Educational evaluation concepts, models and operational processes. Tehran: Samt Publications (in Persian).
- Bazargan, A. (2003). Capacity to assess and improve the quality of education. House and Research Journal, 41.
- Berenji, M.A. (1973). Job future graduate's department of education degree in educational administration. (Master's dissertation). Educational management, Tehran: Tehran University. Faculty of psychology and educational sciences (in Persian).
- Chapman, B. (2009). The access implication of income contingent charges for higher education. Economic of Review, 24(5), 63-66.
- Dervis, K. (2007). United Nations development program. Human development report. Published for the United Nations Development Program (UNDP).
- Farjadi, Gh. A., & Others (2000). Preparation and planning of the second economic, social and cultural (Vol. III). Tehran: Printing of Documents - Economic and Planning Department Publications (in Persian).
- Gallacher, J. (2009). Widening access in higher education in Scotland. Higher Education Quarterly, 60(4).

- Gharon, M. (2006). Analyze and estimate the social demand for entry to higher education (Research project). Tehran: Institute of Research and Planning in Higher Education (in Persian).
- Ghatmiri, M.A. (2001). Review and explain the advantages of the employment of graduates in the provinces of Fars, Kohkiluyeh and Boyer-Ahmad. Tehran: Institute of Research and Planning in Higher Education (in Persian).
- Gustave, Sh. (2007). Gender equity interventions on access in a Sirlankan university. The Open University of Sirlanka, 51(41).
- Hofman, S. (2006). Mapping external quality assurance in central. Academy of Management Journal, 38(5).
- Hooman, H.A. (1994). Basic research in the behavioral sciences. Tehran: Publisher Side (in Persian).
- Lee, H. C. (2009, October). Quality assurance issues in Korea higher education: The challenges of an emerges knowledge society. Paper presented at the EWC-M20 Senior Seminar Higher Education and Quality in an Emergent Knowledge Society, 21-24 October, Kuala Lumpier, Malaysia.
- Livanos, I. (2008). The incidence of long term unemployment: Evidence from Greece. Applied Economics Letters, 14, 405-408.
- Livanos, I. (2010). The relationship between higher education and labor market in Greece. The Weakest Link, Higher Education, 60, 473-489.
- Malloch B.M. (2005). Administrator UNDP human. Human development report. Published for the United Nations Development Program (UNDP), New York, Oxford, Oxford University Press.
- Mansori, R. (2001). The University of its Definition. Approach Quarterly, 24, 13 (in Persian).
- Mirkamali, M. (1993). Analytical abilities of job graduate. Tehran: Institute of Research and Planning in Higher Education (in Persian).
- Moreau, M. P. & Leathwood, C. (2006). Graduates employment and the discourse of employability a critical analysis. Journal of Education and Work, 19(4), 305-324.
- Morshedi, S. (2009, September). Internationalization and commercialization of research output of universes: Emerging issues in Malaysian education 2006-2010. Paper Presented at the Regional Symposium on Comparative Education and Development in Asia, 24-25 September, Taiwan.
- Mozaffari, A. (2007). Study of regional advantages in the employment of graduates by the university of Bu-Ali Sina University in Hamedan provinces Kermanshah, Zanjan Kordestan. Tehran: Institute of Research and Planning in Higher Education (in Persian).

- Naderi, A., & Seif Naraghi, M. (2004). Science human in research method. Tehran: Badr Publication.
- Nouroozzade, R. (2006). Higher education and entrepreneurship. Journal of Public Culture, (43), 67-69 (in Persian).
- Pedrian, A. (1993). Graduates of occupational competence. Tehran: Institute of Research and Planning in Higher Education (in Persian).
- Raufi, A. (1995). Academic and cultural development. Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education, No. 3 (in Persian).
- Roshan, A.R. (2010). Higher education in Iran (Research project). Tehran: Institute of Research and Planning in Higher Education (in Persian).
- Salehi, K. (2001). Improving equality and access for: Own-income, Urban Education, 12(6), 43-44.
- Sarmad, Z., Bazargan, A., & Hejazi, E. (2003). Research Methods in Behavioral Sciences. Tehran: Informed Publishing (in Persian).
- Parker, Jeffry, "Structural Unemployment in the United States: The effects of inter-industry and interregional dispersion", Economic Inquiry, Vol 30, January 1992.
- Zoega Gylif, "Education and Natural Rate of Unemployment," Oxford Economic papers, Oxford University press, Vol 52, 2000.